

کتابخانه
توماس تئو
روانشناسی و روانشناسی در فلسفه و علم
روانشناسی و روانشناسی در فلسفه و علم
روانشناسی و روانشناسی در فلسفه و علم
روانشناسی و روانشناسی در فلسفه و علم
روانشناسی و روانشناسی در فلسفه و علم
روانشناسی و روانشناسی در فلسفه و علم
روانشناسی و روانشناسی در فلسفه و علم
روانشناسی و روانشناسی در فلسفه و علم
روانشناسی و روانشناسی در فلسفه و علم
روانشناسی و روانشناسی در فلسفه و علم
روانشناسی و روانشناسی در فلسفه و علم

نقدی بر روان شناسی

از کانت

تا نظریه پسااستعماری

ترجمه تورج سلحشور



مقدمه

چه چیزی موجب رشد و پیشرفت روان‌شناسی می‌شود؟ دیدگاه سنتی در پاسخ به این پرسش خواهد گفت: 'شواهد تجربی'، در حالی که با نگاهی عمیق‌تر به تاریخ روان‌شناسی در دویست سال گذشته درمی‌یابیم که انباشت حقایق و وقایع، حل و فصل مسائل و مشکلات، استقراء، استنتاج و توضیح و تبیین موارد غیرمتعارف، تنها بخش کوچکی از تصویر کلی است. مطالعه عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نشان می‌دهد که این عوامل نقش بسزایی در شکل‌گیری اصول نظری و کاربردی روان‌شناسی داشته‌اند. نقش این عوامل خارجی به قدری برجسته است که باعث کم‌رنگ شدن تحلیل‌های نظری و تاریخی مبتنی بر مسأله‌گرایی شده‌اند. با این حال اگر با این جمله گولد (۱۹۹۶) که 'پیشرفت علم همان‌قدر که به کشف‌های جدید وابسته است به نقد و بررسی نتایج دیگران نیز نیاز دارد' (ص. ۲۵)، موافق باشیم ناگزیر از تحلیل و بررسی تاریخ نقد روان‌شناسی خواهیم شد. بنابراین تمرکز ما در این کتاب نه بر پیش زمینه‌های تاریخی-اجتماعی، بلکه بر نظریه‌ها و بحث‌های انتقادی خواهد بود که به مشکلات روان‌شناسی از زمان شکل‌گیری آن تاکنون می‌پردازند. هدف این نظریه‌ها در اکثر موارد (ولی نه همیشه) کمک به پیشرفت روان‌شناسی و حل مشکلات نظری، راهبردی و کاربردی آن بوده است. چنین نظریه‌ای به گفتمانی شفاف، منطقی و ساختارمند نیاز دارد که نه تنها بر اصول اساسی روان‌شناسی، بلکه به حاشیه‌ها و فرعیات آن نیز پردازد؛ چنین گفتمانی نقشی اساسی در تبیین تاریخ روان‌شناسی خواهد داشت. تمرکز بر این نظریه‌ها به معنای بی‌اهمیت انگاشتن عوامل تاریخی-اجتماعی نیست؛

فهرست

- مقدمه ۹
- فصل اول: تاریخ‌نگاری نقد روان‌شناسی ۲۱
- فصل دوم: فراینظریه و نقد روان‌شناسی ۴۹
- دیدگاه‌های روان‌شناختی ۵۰
- روان‌شناسی: یک علم مسأله‌دار ۷۰
- فصل سوم: کانت و منتقدین روان‌شناسی در اوایل قرن نوزدهم ۸۳
- نقد کانت از روان‌شناسی تجربی و عقلانی ۸۶
- منتقدین روان‌شناسی در اوایل قرن نوزدهم ۱۰۳
- فصل چهارم: نقد علمی-طبیعی ۱۱۷
- نقد لانگه از روان‌شناسی ۱۱۸
- تأملات فلسفی و مشکلات آن ۱۳۱
- اختلافات در روان‌شناسی علمی-طبیعی ۱۳۸
- فصل پنجم: نقد علمی-انسانی ۱۴۵
- دیلتای و رد روان‌شناسی علمی-تجربی ۱۴۶
- جامعه آلمانی زبان ۱۵۷
- جامعه انگلیسی زبان ۱۶۴

فصل اول: تاریخ‌نگاری نقد روان‌شناسی

چرا تا بحال هیچ تاریخ سیستماتیک و منظمی از نقد روان‌شناسی نوشته نشده است؟ اگر از منظر تاریخ‌نگاری سنتی و انتقادی به این سوال بنگریم به پاسخ‌های متفاوتی خواهیم رسید.^۱ تاریخ‌نگاری سنتی روان‌شناسی اصولاً علاقه‌ای به پرداختن به کمبودها و نقص‌های روان‌شناسی نداشته و بیشتر در پی نشان دادن موفقیت‌ها و دستاوردهای آن است. از سوی دیگر، تاریخ‌نگاران انتقادی و مدرن نیز هیچ تاریخ سیستماتیکی از نقد روان‌شناسی تدوین نکرده‌اند زیرا که همواره با دیده تردید به تاریخ‌نگاری ذهنی نگریسته‌اند؛ تاریخ‌نگاری که نیازی به مراجعه با آرشیوها و مطالب قدیمی نداشته و وابسته به نوع تفکر تاریخ‌نگار دارد. از سویی دیگر، تدوین چنین تاریخ نظام‌مندی تفکر نظری را هم رده با دانش تاریخی قرار داده و به نوعی به رقابت با آن برمی‌خیزد و در نهایت باعث می‌شود که تاریخ‌نگاری انتقادی خود زیرمجموعه‌ای از تاریخ نقد روان‌شناسی قرار گیرد. قبل از تأمل درباره این موضوعات، ابتدا باید توضیحی در خصوص اصطلاحات و واژگان به کار رفته در این بحث داده شود.

تأکید مورخین سنتی بیشتر روی افراد است؛ اشخاص و مردان بزرگی که با نوآوری‌های نظری و کاربردی خود به پیشرفت روان‌شناسی کمک کرده و به

۱ اصطلاح سنتی و انتقادی در این کتاب صرفاً جنبه توصیفی داشته و به صورت ارزشی به کار نرفته است. مسلم است که هر دو نوع تاریخ‌نگاری به درک و فهم پیچیدگیهای روان‌شناسی کمک خواهند کرد و به هیچ عنوان ادعا نمی‌کنیم که فقط تاریخ‌نگاری انتقادی قادر است روایتی معتبر و صحیح از گذشته ارائه دهد.